

ارزیابی انتخاب رشته و تأثیر آن بر رضایت تحصیلی دانشجویان دانشگاه اصفهان

رسول ربانی^۱* و کامران ربیعی^۲

چکیده

آموزش عالی به عنوان مهم‌ترین نهاد آموزشی هر جامعه می‌تواند سهم بسزایی در رشد و توسعه کشورها داشته باشد. هدایت صحیح دانش‌آموزان به دانشگاهها و کمک به افزایش نزدیکی و ارتباط میان علایق و رشته تحصیلی افراد می‌تواند از هدر رفتن استعداد و نیروی جوانی و منابع ملی جلوگیری کند. در پژوهش حاضر ضمن شناسایی عوامل اصلی مؤثر بر انتخاب رشته دانشجویان دانشگاه اصفهان، هدف اصلی بررسی تأثیر نحوه ارزیابی رشته بر میزان رضایت تحصیلی آنان بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه اصفهان تشکیل می‌دهند. حجم نمونه بالغ بر ۴۶۵ نفر بود که بر اساس دو متغیر جنسیت و رشته تحصیلی انتخاب شدند که حدود ۶۵ درصد پاسخگویان علایق و نظر خودشان را مهم‌ترین عامل تأثیرگذار بر انتخاب رشته معرفی کردند. تقریباً به همین نسبت از آنان نیز عنوان کردند که در صورت داشتن دانش و شناخت حاضر دوباره رشته فعلی را انتخاب می‌کردند. همچنین، در پژوهش حاضر به منظور بررسی سهم تأثیرگذاری نحوه ارزیابی فرد از رشته بر میزان رضایت تحصیلی‌اش از مدل معادله ساختاری استفاده و ملاحظه شد که عامل تأثیرگذار ارزیابی از رشته تحصیلی بر رضایت تحصیلی ۵۸ درصد است.

کلید واژگان: آموزش عالی، ارزیابی رشته، رضایت تحصیلی، انتخاب رشته، دانشجویان دانشگاه اصفهان.

مقدمه

جوامع بشری در گذر تاریخ برای پاسخگویی به نیازهایشان چند نهاد عمده اجتماعی را پدید آورده‌اند که در کنار اقتصاد، سیاست، دین و خانواده، آموزش نیز به‌عنوان یکی از پنج نهاد اصلی جامعه به‌شمار می‌رود. کارکرد اصلی نهاد آموزش که رابطه تنگاتنگی با فرهنگ و سایر نهادهای اجتماعی دارد، ارائه دانش و مهارت‌های لازم به افراد برای زیستن در جامعه و به‌عهده گرفتن نقش‌های اجتماعی است. دانشگاه

۱. استاد جامعه‌شناسی گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

* مسئول مکاتبات: rarabani@ltr.ui.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران: rabiei_k@yahoo.com

دریافت مقاله: ۱۳۸۹/۷/۲۵ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۳/۳

به‌عنوان سازمان یافته‌ترین بخش نهاد آموزش همواره جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده و وظیفه اصلی تولید علم را به عهده گرفته است. در حال حاضر، عواملی از قبیل رشد و توسعه فناوریهای نوین، نیاز و تقاضای فزاینده موجود برای آموزش عالی و تغییر الگوهای سنتی آموزش عواملی هستند که آموزش عالی را به‌صورت جدی تحت تأثیر قرار داده‌اند (Hong, ۲۰۰۲: ۲۶۸).

امروزه، اتکای بیش از اندازه دولت و کشور به درآمدهای نفتی باعث شده است که به کیفیت آموزش توجه کافی نشود و لزوم بازنگری جدی و اساسی در محتوای آموزشی و نحوه گزینش استاد و پذیرش دانشجو در دستور کار قرار نگیرد. تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که وابستگی کشور به درآمدهای نفتی باعث شده است سرمایه‌گذاری در آموزش عالی در کشور ایران، برخلاف بسیاری از کشورها، رابطه چندانی با افزایش درآمدهای کشور نداشته باشد. در واقع، این یافته بدین معناست که در اقتصاد ایران هر یک از بخشها به‌صورت جزیره‌ای عمل می‌کنند (Zara Nejad and Ansari, ۲۰۰۸: ۵۴). در رویکردهای جدید کیفیت آموزشی دانشجویان، خانواده‌ها، سازمانها و جامعه به‌عنوان مشتریان نهاد آموزشی دیده می‌شوند که منافع آنان باید در نظر گرفته شود. برای نهاد آموزش که به‌صورت منظم سیستم خود را به‌روزی می‌کند و با شرایط مطلوب و جدید هماهنگ می‌سازد، لازم است تا رضایت و توقعات مشتریان خود را در برنامه‌ها و طرحهای آموزشی تدوین شده لحاظ کند (Baykal et al., ۲۰۰۵: ۲).

هم اکنون بخش زیادی از مشاغل و فعالیتهای دولتی و خصوصی و برخی نهادها به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم درگیر پدیده کنکور و مهیاسازی دانش‌آموزان برای رقابت در کنکور و ورود به دانشگاهها هستند. حجم این فعالیتها به حدی است که خود به «صنعت کنکور» تبدیل شده، به نحوی که گردش پولی سالیانه این مراکز و مؤسسه‌ها چیزی حدود ۱۰ برابر بودجه پژوهشی کشور است. در مقابل این حجم بزرگ گردش مالی، دانشگاهها نقش اولیه خود برای اشتغالزایی دانشجویان و ایجاد فرصت شغلی برای آنان را از دست داده‌اند (Ghane'ei Raad and Khosro Khavar, ۲۰۰۶: ۱۱۵-۱۳۸). در واقع، نوعی فشارهنجاری برای ورود به دانشگاه در جامعه وجود دارد که چندان با نیازهای موجود در جامعه و ساختار شغلی هماهنگ نیست.

تعداد شرکت کنندگان در آزمون سراسری سال ۱۳۷۹ برابر با ۱.۳۳۹.۱۳۴ داوطلب بوده که این تعداد در سال ۱۳۸۷ به ۱.۵۰۶.۰۰۰ داوطلب رسیده است. ظرفیت دوره روزانه دانشگاههای سراسری چیزی حدود ۸۰۰.۰۰۰ نفر است و همین امر رقابت میان داوطلبان را بسیار فشرده می‌سازد (Kkhodaei, ۲۰۰۹: ۶۶). در این شرایط است که بسیاری از داوطلبان نمی‌توانند بر اساس علایق خود رشته و دانشگاه مطلوب‌شان را انتخاب کنند و همین مسئله می‌تواند بر احساس ناکامیهای بعدی آنان تأثیرگذار باشد.

تحقیقات نشان می‌دهد که تقاضای اجتماعی برای آموزش عالی در کشور ایران به‌صورت امری همگانی در آمده است و فارغ از درجه توسعه‌یافتگی استانها، نوعی همگرایی در افزایش سطح تقاضا برای آموزش عالی میان آنها مشاهده می‌شود که البته، در گروه علوم تجربی این همگرایی بیشتر است که

نشان‌دهنده وجود تقاضا و احساس نیاز به خدمات پایه بهداشت و سلامت در همه استانهاست. در این خصوص پس از گروه علوم انسانی، گروه ریاضی - فیزیک از همگرایی پایین‌تری برخوردار بوده است. در گروه هنر نیز همگرایی چندانی میان استانها در افزایش تقاضا برای دسترسی به آموزش عالی مشاهده نشد (۱۳۱-۱۳۲: ۲۰۰۴: Haghghi and Akbari). بر اساس هرم نیازهای مازلو این داده می‌تواند معنادار باشد، چرا که پس از برآورده‌سازی نیازهای اولیه است که هنر و نیاز بدان می‌تواند معنا پیدا کند. همچنین، پیشرفت هنر رابطه نزدیکی با درجه پیشرفت و توسعه شهری دارد که این شرایط در شهرهای بزرگ کشور فراهم‌تر است.

یکی از آفتهایی که هم اکنون گریبانگیر نظام دانشگاهی ما شده، غلبه مدرک‌گرایی بر تربیت نیروی انسانی صاحب اندیشه و مهارت بالاست که تحصیلات‌اش با نیازهای واقعی جامعه هماهنگ باشد (Yamani Doozi Sarkhabi, ۲۰۰۰: ۴۰).

در برنامه‌ریزی برای ارتقای آموزش عالی کشور می‌بایست همزمان هم بعد کمی و هم بعد کیفی آن را مورد ملاحظه قرار داد، چرا که توجه صرف به رشد و گسترش کمی دانشگاه و تعداد دانشجویان که با نیازهای جامعه و شرایط بازار هماهنگ نباشد، می‌تواند مواردی همچون مازاد عرضه نیروی کار تحصیل کرده در رشته‌های گوناگون و اتلاف منابع مالی و انسانی را در پی داشته باشد و در دوران تحصیل نیز به افت یا ترک تحصیل افراد و افسردگی‌های ناشی از بی‌علاقگی به رشته دامن زند (Akhavan Sarraf and Nilfroushzadeh, ۲۰۰۸: ۵۸).

داوطلبان ورود به دانشگاه هنگام انتخاب رشته بسیار تأثیرپذیرند و دائماً در معرض فشار روانی عوامل مختلف قرار می‌گیرند (۱۴۴: ۲۰۰۹: Abdi and Aghbaba). ناهماهنگ بودن این عوامل با علایق داوطلبان و ویژگی‌های فردی و روانی آنان نیز می‌تواند بعدها بر رضایت تحصیلی آنان تأثیرگذار باشد. در پژوهش حاضر ضمن شناسایی عوامل اصلی تأثیرگذار بر انتخاب رشته دانشجویان دانشگاه اصفهان، نگرش آنان در خصوص رشته تحصیلی آنان بررسی و در نهایت، تأثیرگذاری نحوه نگرش فرد بر رضایت تحصیلی وی مطالعه شده است. در واقع، هدف اصلی پژوهش حاضر عبارت است از: «بررسی تأثیر نحوه ارزیابی رشته بر میزان رضایت تحصیلی دانشجویان دانشگاه اصفهان».

آنچه در دوره تحصیل می‌تواند ارزیابی فرد از رشته را شکل دهد و در پی آن رضایت تحصیلی وی را تحت تأثیر قرار دهد، عواملی است که از آغاز و پیش از ورود به دانشگاه، انتخاب رشته داوطلب را جهت داده است. در خصوص عوامل مؤثر بر انتخاب رشته دانشگاهی تاکنون تحقیقات متعددی در خارج و داخل کشور انجام شده است که هر کدام یک یا چند عامل را به عنوان عوامل مسلط یا دارای سهم بیشتر در انتخاب رشته افراد مشخص کرده‌اند. البته، شرایط اجتماعی و اقتصادی هر جامعه می‌تواند وزن متفاوتی به عوامل مختلف بدهد. برای مثال، می‌تواند سهم انتخاب و علاقه فردی را در انتخاب رشته کم و زیاد کند. نتایج برخی تحقیقات انجام شده در این زمینه در جدول ۱ خلاصه شده است.

جدول ۱- مهم ترین عوامل تأثیر گذار بر انتخاب رشته از نظر صاحب نظران خارجی و داخلی

نوع	پژوهشگر	مهم ترین عوامل تأثیر گذار
تحقیقات خارجی	Pearson and Dellmanjenkins (۱۹۹۷)	- ترجیحات و علایق خانواده
	Berens(۱۹۹۸); Keirsey(۱۹۹۸, ۲۰۰۰ a,b); Leaver(۱۹۹۷); Kreber(۱۹۹۸)	- ویژگیهای شخصیتی(تیپ شخصیتی، مزاج و خلق فردی، ایستارهای ذهنی)
	Frisbee et al. (۲۰۰۰)	- ترجیحات خانواده
	Kern(۲۰۰۰)	- ترجیحات خانواده، آینده شغلی
	Davis et al.(۲۰۰۱)	- توانایی علمی دانشجو، آینده شغلی
	Reid(۲۰۰۵)	- علایق شخصی، آینده شغلی
	Daly(۲۰۰۳)	- علایق شخصی، توانمندی علمی فرد، ترجیحات خانواده
	Tatar(۲۰۰۳)	- آینده شغلی
	Kinzie et al. (۲۰۰۴)	- ویژگیهای فردی و خانوادگی، آینده شغلی
	Thacker(۲۰۰۵)	- توانایی علمی دانشجو، هزینه تحصیل، شهریه دانشگاه، آینده شغلی، موقعیت جغرافیایی دانشگاه مورد نظر
	James(۲۰۰۲)	- جنسیت، طبقه اجتماعی، گروه مرجع
	Dunning et al. (۲۰۰۴)	- کیفیت آموزشی دبیرستان
	Chevalier et al.(۲۰۰۹)	- درک و تصور فرد از خود، زمینه ی اقتصادی - اجتماعی
تحقیقات داخلی	Nesfat(۱۹۷۵)	- توانایی شخصی، نفس ورود به دانشگاه، خدمت به هموعان و کمک به جامعه، منزلت اجتماعی رشته، آینده شغلی
	Motabari(۱۹۹۲)	- اولویت علاقه شخصی بر سایر عوامل خانوادگی و محیطی
	Mojtahedi (۱۹۹۳)	- اصرار یا اجبار خانواده، آینده شغلی، منزلت اجتماعی رشته
	Nasr et al.(۲۰۰۲)	- توانایی علمی فرد، علاقه شخصی
	Abdi and Aghababa (۲۰۰۹)	- عوامل فردی، آینده شغلی، تأثیرات خانواده و دوستان
	Khodaei (۲۰۰۹)	- سرمایه اقتصادی و فرهنگی والدین داوطلب

همان گونه که در جدول ۱ ملاحظه می شود، هر یک از پژوهشگران خارجی و داخلی بر یک سری عوامل به عنوان مهم ترین عوامل اثر گذار بر انتخاب رشته داوطلبان تأکید کرده اند. با انجام دادن فراتحلیلی از پژوهشهای مختلف در خواهیم یافت که آینده شغلی، ترجیحات خانوادگی، زمینه اقتصادی - اجتماعی فرد، علایق شخصی و ویژگیهای شخصیتی داوطلب مهم ترین عوامل اثر گذار بر انتخاب رشته به شمار می رود.

یکی از متغیرهای اصلی تحقیق نحوه ارزیابی فرد از رشته تحصیلی خود است که عوامل مختلفی می تواند آن را شکل و تحت تأثیر قرار دهد. بر اساس تحقیقاتی که در سطوح مختلف آموزشی انجام شده، وجود داشتن رابطه ای مثبت میان نحوه رفتار و منش آموزگار با نگرشهای تحصیلی فراگیران ملاحظه شده است (Chen and Darst, ۲۰۰۱; Graham et al., ۲۰۰۴; Hagger et al., ۲۰۰۲)

(Mitchell, ۱۹۹۳; Solmon and Carter, ۱۹۹۵) که در آموزش دانشگاهی نیز این نتایج قابل تعمیم است. در واقع، نوع برخورد استادان، میزان علاقه‌مندی و تسلط آنان بر موضوعات درس و شیوه تدریس آنان می‌تواند بر احساس تعلق و اطمینان دانشجویان به رشته‌ها و درسهایشان اثر گذار باشد. استادان می‌توانند محیط آموزشی ویژه‌ای خلق کنند که به افزایش نگرشهای مثبت دانشجویان راجع به موضوعات درسی و رشته خود منجر شود و حتی بر فرایند یادگیری آنان تأثیر مثبتی بگذارد.

متغیر دیگری که در پژوهش حاضر مد نظر بوده و مورد مطالعه قرار گرفته، «رضایت تحصیلی» دانشجویان از رشته تحصیلی خود است. «رضایت» دانشجویان می‌تواند عامل خوبی برای درجه پذیرش آنان از محیط آموزشی و شرایط موجود باشد و باورهای آنان را در خصوص رشته تحصیلی و امکانات آموزشی بسنجد (Chou and Liu, ۲۰۰۵; Picolli et al., ۲۰۰۱).

شعبی رودپشتی و میرغفوری در پژوهش خود به دنبال شناسایی عوامل مؤثر بر رضایت از خدمات آموزشی دانشگاه بودند. جامعه آماری تحقیق آنان را دانشجویان دانشگاه یزد تشکیل می‌دادند. از میان همه عوامل شناسایی شده مشخص شد که سه عامل بر رضایت دانشجویان بیش از همه تأثیرگذارند: دسترسی سریع و کافی استادان و دانشجویان به کامپیوتر و اینترنت، معرفی دانش‌آموختگان به بازار کار، مشارکت دادن دانشجویان در فعالیتهای فوق برنامه (Shafi'i Roudposhti and Mirghafouri, ۲۰۰۸).

عزیزی با تمرکز بر علوم انسانی به بررسی دیدگاههای دانشجویان در خصوص مسائل و مشکلات علوم انسانی و درجه رضایت آنان از تحصیل در این رشته‌ها پرداخته است. وی در مجموع با ۸۰ نفر از دانشجویان دانشگاه دولتی ایران مصاحبه کرد. در مصاحبه‌های گروهی ملاحظه شد که میزان رضایت دانشجویان از رشته خود و از فضا و امکانات آموزشی چندان مطلوب نیست. در یافته‌های عزیزی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر نارضایتی دانشجویان و نگرش منفی آنها عبارت بودند از: پایین بودن ارزش و منزلت اجتماعی رشته علوم انسانی در مقایسه با دیگر رشته‌ها، روشن نبودن آینده شغلی و بی ارتباطی این رشته با واقعیت زندگی، ورود ناخواسته دانشجویان به رشته خود بر اثر مکانیسم کنکور و شرایط موجود، مدیریت نامناسب رشته علوم انسانی در دانشگاهها، تصور نامناسب و عامیانه میان مردم مبنی بر ناکارآمدی رشته علوم انسانی و مفید نبودن آن در جامعه، ضعف علمی استادان و ارائه تصویری نامناسب از شرایط اجتماعی رشته تحصیلی توسط آنان، نگرش منفی در میان مسئولان دانشگاه به رشته علوم انسانی و تبعیض قایل شدن میان رشته‌های مختلف، بی ارتباط بودن محتوای آموزشی با نیازهای بازار کار (Azizi, ۲۰۰۹).

طی دهه‌های اخیر مواردی همچون افزایش جمعیت، گسترش آموزش ابتدایی تا متوسطه، تغییر ساختار اقتصادی و نیاز آن به مشاغل دارای مهارتهای بالا و جدید و رشد طبقه متوسط همگی از مواردی بوده که تقاضا برای ورود به دانشگاه را افزایش داده است (Izadi et al., ۲۰۰۸: ۲۸).

در کشور ایران، مانند بسیاری از کشورهای جهان، فراگیر شدن آموزش عالی در کنار محدودیت‌های موجود فرا روی نحوه تخصیص درآمدهای عمومی باعث شده است تا گروه‌های مختلف اجتماعی به نحوه هزینه کردن پول خود و نتیجه حاصل از آن حساس شوند. از طرف دیگر، ملاحظه می‌شود که روز به روز بر آموزش عالی شرایط بازاری بیشتر حاکم می‌شود. همان‌طور که تقاضای استفاده از آموزش عالی بالاتر می‌رود، حساسیت در خصوص کیفیت آموزش و نحوه آموزش دیدن دانشجویان نیز افزایش می‌یابد و در این خصوص هم ذینفعان بیرونی (بازارکار، دولت، اجتماع و فرهنگ عمومی) و هم ذینفعان درونی (اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان) خواهان بذل توجه بیشتر و ارتقای استانداردهای آموزشی هستند (Ferasetkhan et al., ۲۰۰۷: ۲).

توسعه و رشد آموزش عالی نه تنها برای صنعت و رشد اقتصادی، بلکه برای سایر حوزه‌های زندگی نیز منافی در بردارد. جوامع دانش محور با برخورداری از انسان‌های فرهیخته و با معلومات بیش از سایر جوامع برنامه پذیرترند. هم اکنون آموزش عالی در کشورهای توسعه یافته در حال فراگیر شدن و تبدیل شدن به کالایی عمومی است (Ferasetkhan, ۲۰۰۸: ۱۰۱-۱۰۲).

از آنجایی که دانشگاه کانون اصلی تولید، حفظ و اشاعه دانش است، نمی‌توان بدون توجه به کیفیت آن به‌عنوان یک نهاد اجتماعی برخورداری صرفاً تجاری و اقتصادی با آن کرد (Mehralizade, ۲۰۰۸: ۶۴). از جمله عوامل تأثیرگذار بر کیفیت آموزش عالی و ساختار و مدیریت آن می‌توان از دولت و بازار نام برد. دولت با توجه به اهرم‌های نظارتی و قدرت سازمانی که در اختیار دارد، می‌تواند دیدگاه‌های خود را بر آموزش عالی اعمال کند (Mehralizade, ۲۰۰۸: ۷۰). از این رو، گاهی به دلیل شرایط موجود دولتها می‌توانند با تغییر در ظرفیتهای دانشگاه و اثرگذاری بر روند آموزش و ساختار اداری دانشگاهها تأثیرات خاصی بر جامعه بگذارند و علاوه بر نیاز آفرینی، به نیازهای موجود به شیوه خاصی پاسخ دهند.

بازاری و تجاری شدن آموزش عالی تأثیرات فراوانی بر کیفیت آموزش و محیط دانشگاهی دارد که مهم‌تر از همه تحت تأثیر قرار دادن روابط استاد - دانشجو و روابط میان دانشجویان است. افراد زمانی که مجبور شوند برای تحصیل پول پرداخت کنند، آن وقت در خصوص نوع رشته انتخابی خود ملاحظات اقتصادی را بیشتر وارد خواهند کرد. برخی مجبور می‌شوند در کنار تحصیل کار کنند یا حتی برای تأمین هزینه تحصیل خود به مسیرهای نادرستی بروند. از طرفی، در صورت وجود داشتن منابع مالی محدود برای حمایت مالی، زمینه رقابت و بعضاً کدورت میان دانشجویان افزایش می‌یابد. هنگامی که دانشجو به مشتری مبدل می‌شود، هم اعمال مقررات برای حضور مرتب وی سر کلاس دشوار می‌شود و هم دیدن و دسترسی وی به استاد به کالایی لوکس تبدیل می‌شود (Hussey, ۲۰۱۰: ۵۶-۵۸).

البته، این نکته را نمی‌توان از نظر دور داشت که توسعه آموزش عالی به ناگزیر باید هماهنگ با نیازهای بازار باشد، چرا که گاهی لازم نیست که افراد با تخصص بسیار بالا برای برخی مشاغل داشته باشیم و هدایت بیهوده افراد به ادامه تحصیل در نهایت، اتلاف منابع مالی و انسانی را در پی خواهد داشت (Akhavan Sarraf and Nilforoushade, ۲۰۰۸: ۵۹).

از اهداف اصلی مقاله حاضر این بوده است که نگرش و ارزیابی افراد راجع به رشته فعلی خود و نیز میزان رضایت تحصیلی‌شان بررسی شود. به نظر می‌رسد که این نگرش و انتخاب صرفاً در خلأ صورت نمی‌گیرد، بلکه متأثر از یک سری عوامل دیگر است. بنا بر نظریه انتخاب عقلانی افراد در شرایط و محدودیتهایی محصورند که به ناچار باید بر اساس آنها اقدام کنند. آنان به‌گونه‌ای انتخاب می‌کنند که بر اساس آن بیشترین سود و کمترین هزینه را متحمل شوند (Crib, ۱۹۹۹: ۹۱-۹۲). در خصوص انتخاب رشته نیز فرد با توجه به عواملی مانند شرایط اقتصادی و بازار کار رشته‌ها، قضاوت و ارزیابی جامعه راجع به رشته‌های مختلف، ترجیحات دوستان و آشنایان و خانواده و همچنین، آرزوها و علایق شخصی رشته تحصیلی خود را انتخاب می‌کند تا از این طریق بیشترین رضایت شخصی و حداکثر فایده‌مندی اجتماعی را نصیب خود گرداند (DeRonk, ۲۰۰۷; Jackson, ۱۹۸۲; Chapman, ۱۹۸۴).

سطح و نوع تماس‌های دانشجویان با استادان، با محیط سخت افزاری پیرامون خود و نیز با یکدیگر از دیگر موارد محیطی مؤثر بر رضایت تحصیلی آنان است (Johnston et al., ۲۰۰۵). جو آموزشی مثبت و فعال که مبادله دانش و باورها و اطلاعات را ترویج و ترغیب کند، می‌تواند علاوه بر افزایش یادگیری و ارتقای کیفیت آموزش، به بالا بردن سطح رضایت دانشجویان از تحصیل در رشته خود یاری رساند (Prieto and Revilla, ۲۰۰۶).

نگرش‌های دانشجویان، اعم از مثبت یا منفی، چگونگی واکنش آنها به محیط آموزشی‌شان را بازتاب می‌دهد. نگرش‌های دانشجویان به‌عنوان عامل مهمی بر موفقیت تحصیلی و سطح تلاش و کوشش آنان شناخته شده است. مطابق دیدگاه و یافته‌های آجزن و فیشبن نگرشها متضمن قدرت پیش‌بینی رفتار شخصی در مواجهه با هدف معینی است (Ajzen and Fishbein, ۱۹۷۷). آجزن نگرش را دادن پاسخی اکراه‌آمیز یا از روی میل به یک موضوع، شخص یا یک رویداد قلمداد می‌کند (Ajzen, ۱۹۹۸). ملون نیز نگرش را عاملی مؤثر بر درک و رفتار فردی می‌داند (Melone, ۱۹۹۰). القحطانی و کینگ نیز ضمن بررسی رابطه میان نگرش و رضایت افراد، نگرش آنان را مقدم بر نحوه مواجهه‌شان با محیط و فضای آموزشی خود یافتند (Al-Gahtani and King, ۱۹۹۹).

سانکاران و همکاران نیز در پژوهش خود همبستگی مثبتی میان نگرش دانشجویان به درس و رشته با عملکرد آموزشی آنان به‌دست آورده‌اند (Sankaran et al., ۲۰۰۰). پن و همکاران نیز میان نگرش افراد به درس و برنامه آموزشی با نمرات پایان ترم شان همبستگی مثبتی یافته‌اند (Pan et al., ۲۰۰۳).

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت که بر اساس تحقیقات تجربی صورت گرفته (جدول ۱) داوطلبان اغلب تحت تأثیر ترجیحات خانواده، آینده شغلی رشته، تواناییها و علایق شخصی و متغیرهای زمینه‌ای (خانوادگی و اجتماعی)، رشته تحصیلی خود را انتخاب می‌کنند. عوامل یاد شده بسته به اینکه تا چه اندازه منطبق با علایق و تواناییهای واقعی داوطلب و متناسب با شرایط اقتصادی و بازار کار باشند، می‌توانند در آینده نه تنها بر ارزیابی فرد از رشته تحصیلی، بلکه بر رضایت تحصیلی وی اثرگذار باشند. صرف نظر از آینده شغلی رشته و عوامل مؤثر بر انتخاب رشته، خود محیط آموزشی و فضای ارتباطی و تعاملی میان

دانشجویان و روابط استاد - دانشجو نیز می‌تواند بر شیوه نگرش افراد به رشته و میزان رضایت تحصیلی آنان اثرگذار باشد. در پژوهش حاضر هدف آن بوده است که ارزیابی دانشجویان از رشته تحصیلی شان بررسی و تأثیر این ارزیابی بر رضایت تحصیل آنان نشان داده شود. با توجه به مباحث پیشین، فرضیه اصلی پژوهش را بدین گونه می‌توان صورتبندی کرد: «ارزیابی مثبت از رشته تحصیلی موجب افزایش رضایت تحصیلی دانشجویان می‌شود». منظور از ارزیابی رشته قضاوت ذهنی دانشجویان از پایگاه اجتماعی و منزلتی رشته تحصیلی خود در جامعه است که اگر چه لزوماً با واقعیت کاملاً منطبق نیست، لیکن تا حد زیادی می‌تواند بازنمای شرایط بیرونی باشد. ارزیابی فرد از رشته تحصیلی متضمن شیوه قضاوت فرد در خصوص آینده شغلی دانش‌آموختگان و نگرش جامعه و خانواده به رشته تحصیلی وی است. رضایت از رشته نیز می‌تواند بر اساس مظاهر بیرونی آن ارزیابی شود. اینکه فرد تا چه اندازه به رشته خود علاقه نشان می‌دهد و به شاغل شدن در آن تمایل دارد و حتی ادامه تحصیل در این رشته را به سایرین نیز توصیه می‌کند، می‌تواند بازنمای درجه رضایت فرد از رشته تحصیلی اش باشد.

روش پژوهش

همان گونه که اشاره شد، هدف اصلی این پژوهش بررسی تأثیر نحوه ارزیابی دانشجویان دانشگاه اصفهان از رشته خود بر رضایت تحصیلی آنان است. از آنجایی که سنجش متغیرهای «ارزیابی رشته تحصیلی» و «رضایت تحصیلی» نه به طور مستقیم، بلکه به واسطه سایر متغیرها انجام شده، لذا فرضیه اصلی تحقیق در قالب مدل معادله ساختاری و با استفاده از نرم افزار Lisrel ارزیابی شد. استفاده از مدل معادله ساختاری در پژوهش حاضر به دلیل مزیت‌هایی است که این روش نسبت به سایر روشها دارد. یکی از مزیت‌های مدل‌سازی معادله ساختاری امکان استفاده از داده‌های متنوع برای فهم پدیده‌های اجتماعی است، در حالی که این امکان در روشهای مرسوم چندان فراهم نیست و واضح است که با داده‌های محدود فهم ما از یک پدیده پیچیده با محدودیت بیشتری مواجه خواهد بود. نکته دوم به حساب آوردن خطای اندازه‌گیری در محاسبات انجام شده است که باز در روشهای مرسوم قابل برآورد نیست و همین امر از اعتبار و قابلیت اعتماد داده‌های مربوط به متغیرهای مشاهده شده که با ابزار اندازه‌گیری گردآوری شده‌اند، می‌کاهد. سومین عامل فراهم ساختن امکان تحلیل مدل‌های نظری پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر است (Schumacker and Lomax, ۲۰۰۴: ۷). علاوه بر این، گاهی روابط موجود میان متغیرها پیچیده است و متغیرها به‌طور همزمان با هم روابط علی دارند که مدل معادله ساختاری قابلیت لحاظ کردن این مسئله را نیز دارد (Kalantari, ۲۰۰۹: ۳۴).

مدلسازی معادله ساختاری با احتساب وجود روابط علی میان متغیرها، مدل‌های علی را با دستگاه معادله خطی آزمون می‌کند و با آزمون روابط تئوریک موجود در یک وضعیت مفروض، برآورد روابط علی میان

متغیرهای پنهان (مشاهده نشده) و نیز روابط میان متغیرهای اندازه‌گیری شده (مشاهده شده) را ممکن می‌سازد. متغیرهای آشکار مستقیماً به واسطه پژوهشگر اندازه‌گیری می‌شوند، در صورتی که متغیرهای پنهان مستقیماً اندازه‌گیری نمی‌شوند، بلکه با استفاده از دو یا تعداد بیشتری از متغیرهای مشاهده شده به عنوان معرف، سنجش و استنباط می‌شوند (Hooman, ۲۰۰۵: ۱۹). در تبیین مقادیر محاسبه شده برای واحدهای مورد مطالعه، متغیر خطا عبارت از اثر کلیه عوامل به استثنای متغیر پنهان است. متغیرها یا درونی یا بیرونی‌اند. متغیرهای درونی آن دسته از متغیرها هستند که در مدل معادله ساختاری از متغیر دیگری تأثیر می‌پذیرند و به تعبیری ساده‌تر در مدل ترسیم می‌شوند و بر خلاف متغیرهای بیرونی پیکانی به آنها وارد می‌شود که نشان دهنده تأثیرپذیری مستقیم است. به ازای هر متغیر درونی یک متغیر خطا وجود دارد که نمادی از ناتوانی متغیرهای مستقل در تبیین کامل یک متغیر وابسته است (Ghasemi, ۲۵: ۲۰۱۰). در جدول ۲ متغیرهای موجود در مدل معادله ساختاری تحقیق و علایم اختصاری آنها آمده است.

جدول ۲- متغیرهای پنهان آشکار شده در معادله ساختاری و علایم اختصاری آنها در مدل تحلیل شده

متغیرهای اصلی	نوع متغیر	متغیرهای آشکار
ارزیابی از رشته تحصیلی	متغیر پنهان بیرونی	۱- میزان اهمیت دادن جامعه به رشته ۲- احتمال شاغل شدن در حرفه‌ای مرتبط با رشته ۳- ارزیابی فرد از درجه اهمیت رشته برای توسعه کشور ۴- احتمال برخورداری از درآمد مکفی با اشتغال در رشته ۵- امکان اشتغال و فرصتهای شغلی در رشته ۶- میزان اهمیت دادن و ارزش قایل شدن خانواده به رشته ۷- احساس غرور از عنوان کردن رشته خود در جامعه
رضایت از رشته تحصیلی	متغیر پنهان درونی	۱- میزان علاقه به رشته خود ۲- تمایل به شاغل شدن در رشته ۳- توصیه تحصیل در این رشته به فرزندان خود در صورت تمایل فرزند به آن

پژوهش حاضر از نوع پیمایشی و داده‌های مورد نیاز آن با ابزار پرسشنامه گردآوری شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه اصفهان تشکیل می‌دهند که طی سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ به تحصیل مشغول بوده‌اند. نمونه‌گیری نیز به روش سهمیه‌ای و مبتنی بر دو متغیر جنسیت و رشته تحصیلی انجام شده است. حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران و با احتساب حداکثر پراکندگی (p) و q معادل ۰.۵، برای سطح اطمینان ۹۵ درصد و حداکثر خطای مجاز ۵ درصد معادل ۳۸۲ نمونه به دست آمد. برای بالا بردن نتایج تحقیق با حفظ نسبت سهمیه‌ها تعداد پرسشنامه بیشتری تکمیل

و حجم نمونه نهایی بالغ بر ۴۶۵ دانشجو شد. ۶۱.۲ درصد پاسخگویان را دانشجویان دختر و ۳۸.۸ درصد مابقی را دانشجویان پسر تشکیل می‌دادند.

یافته‌ها

در میان دیدگاه‌های مرور شده ملاحظه شد که صاحب‌نظران و پژوهشگران داخلی و خارجی عوامل مختلفی را بر نوع انتخاب رشته افراد برجسته و مشخص کرده‌اند (جدول ۱). در صورتی که عوامل را به دو دسته عوامل محیطی و فردی - خانوادگی تقسیم کنیم، خواهیم دید که جدا از عوامل محیطی مانند آینده شغلی، در میان عوامل فردی علایق شخصی به عنوان مهم‌ترین عامل مطرح بوده است. طبق نتایج به‌دست آمده در پژوهش حاضر، ملاحظه می‌شود که «علایق شخصی» در صدر عوامل مؤثر بر انتخاب رشته فرد قرار می‌گیرد و عوامل محیطی که در قالب گزینه «سایر موارد» خلاصه شده است، پس از عامل «پیشنهاد دوستان و آشنایان» در مرتبه سوم قرار می‌گیرد. جالب اینکه توصیه پدر و مادر حتی از نظر دوستان و آشنایان در مرتبه پایین‌تری قرار می‌گیرد که خود از افقی‌تر شدن روابط خانوادگی و توجه بیشتر والدین به علایق فرزندان و شرایط واقعی جامعه حکایت دارد (جدول ۳).

جدول ۳- عامل اصلی تعیین کننده یا تأثیر گذار بر انتخاب رشته فرد

درصد	فراوانی	عامل تعیین کننده
۶۵.۵	۲۶۶	شناخت و تصمیم خود فرد
۴.۵	۲۱	توصیه پدر و مادر
۱۷.۴	۸۲	پیشنهاد و مشاوره دوستان و آشنایان
۱۶.۸	۷۹	سایر موارد
۱۰۰	۴۴۸	جمع

بالا بودن سهم علایق شخصی داوطلبان بر انتخاب رشته سبب می‌شود که آنان در مراحل بعدی تحصیل و پس از درگیری جدی با رشته و شرایط آن در جامعه باز هم از انتخاب خود احساس رضایت بیشتری داشته باشند و تصمیم پیشین خود را در خصوص انتخاب رشته فعلی خود درست قلمداد کنند. بر اساس یافته‌های تحقیق ۶۵.۱۸ درصد پاسخگویان چنین اعلام می‌دارند که در صورت داشتن شناخت و دانش فعلی در خصوص شرایط اجتماعی و محتوای درسی رشته‌ها باز هم رشته فعلی خود را انتخاب می‌کردند (جدول ۴). اگر چه نسبت یاد شده نسبتاً قابل توجه است، اما نسبت ۳۴.۸۲ درصد پاسخگویان ناراضی را نمی‌توان نادیده گرفت، چرا که بیش از یک سوم پاسخگویان نوعی ناراضی پنهان یا آشکار از تحصیل در رشته فعلی خود دارند و این امر می‌تواند هم برای خود فرد و هم برای جامعه و نظام آموزشی پیامدهای منفی داشته باشد.

جدول ۴- نحوه انتخاب رشته در صورت داشتن دانش و شناخت فعلی

درصد	فراوانی	نوع تصمیم
۳۴.۸۲	۱۵۶	رشته ای دیگر انتخاب می کردم
۶۵.۱۸	۲۹۲	رشته فعلی خود را انتخاب می کردم
۱۰۰	۴۴۸	کل

نحوه ارزیابی فرد از شرایط محیطی و بیرونی رشته خود می‌تواند تا حد بسیار زیادی درجه رضایت فرد از رشته فعلی‌اش را تحت تأثیر قرار دهد و به آن شکل دهد. طبق نظر مکتب کنش متقابل نمادین، بخشی از قضاوت فرد از هر پدیده‌ای ناشی از برداشت او از نوع قضاوت و نگرش افراد راجع به همان پدیده است. در واقع، افراد مدام در حال هماهنگ ساختن خود با انتظارات و ارزشهای جمعی هستند و اغلب این فرایند را به صورت ناخودآگاه طی می‌کنند. برای بررسی سهم تأثیرگذاری نحوه ارزیابی فرد از شرایط رشته خود در جامعه بر میزان رضایت تحصیلی وی از تحلیل رابطه دو متغیر به واسطه مدل معادله ساختاری استفاده شد.

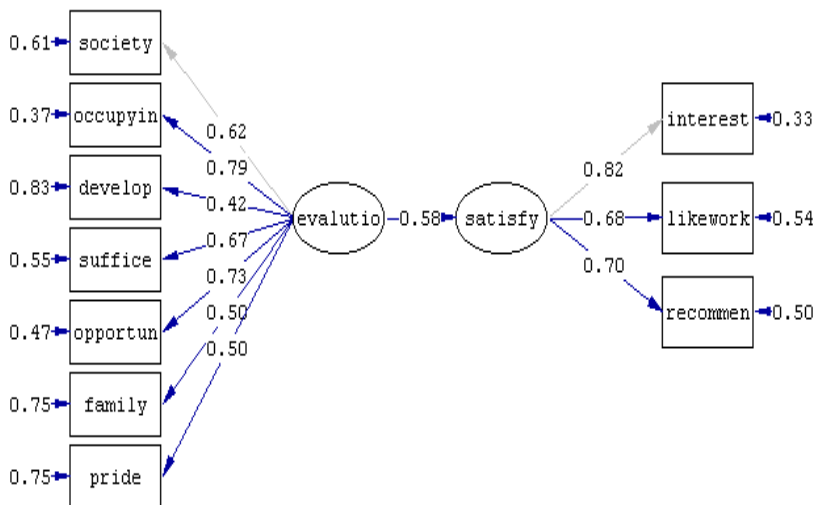
در ادامه مدل معادله ساختاری مقاله حاضر ترسیم شده است (نمودار ۱). با توجه به این مدل که با استفاده از نرم افزار Lisrel رسم شده است، ملاحظه می‌شود که متغیر پنهان بیرونی «ارزیابی فرد از رشته تحصیلی»^۳ با ۷ متغیر آشکار سنجش شده است. این متغیرها عبارت‌اند از: میزان اهمیت دادن جامعه به رشته^۴، احتمال شاغل شدن در حرفه‌ای مرتبط با رشته^۵، ارزیابی فرد از درجه اهمیت رشته برای توسعه کشور^۶، احتمال برخورداری از درآمد مکفی با اشتغال در رشته^۷، امکان اشتغال و فرصتهای شغلی در رشته^۸، میزان اهمیت دادن و ارزش قایل شدن خانواده به رشته^۹، احساس غرور داشتن از رشته خود در جامعه^{۱۰}. فلشهای یک سو به کشیده شده از این متغیرها به متغیر بیرونی ارزیابی فرد از رشته تحصیلی، پارامتر لامدا یا بارهای عاملی هستند که مربع آنها نوعی ضریب تبیین است. پس می‌توان گفت که واریانس ارزیابی فرد از رشته تحصیلی به ترتیب توان تبیین ۳۸ درصد از واریانس میزان اهمیت دادن جامعه به رشته، ۶۳ درصد از واریانس احتمال شاغل شدن در حرفه‌ای مرتبط با رشته، ۱۷ درصد از واریانس ارزیابی فرد از درجه اهمیت رشته برای توسعه کشور، ۴۵ درصد از واریانس احتمال برخورداری از درآمد مکفی با اشتغال در رشته، ۵۳ درصد از واریانس امکان اشتغال و فرصتهای شغلی در رشته، ۲۵

۲. Evaluation
۴. Society
۵. Occupyin
۶. Develop
۷. Suffice
۸. Opportun
۹. Family
۱۰. Pride

درصد از واریانس میزان اهمیت دادن و ارزش قایل شدن خانواده به رشته و ۲۵ درصد از واریانس احساس غرور از عنوان کردن رشته خود در جامعه را دارد. بنابراین، مشاهده می‌شود که از شاخصهای سنجش ارزیابی فرد از رشته تحصیلی، احتمال شاغل شدن سهم بیشتری (ضریب تبیین ۰/۶۳) دارد؛ به عبارت دیگر، در انتخاب شاخص ارزیابی شخصی به‌عنوان یکی از شاخصهای ارزیابی، ۳۷ درصد دچار خطا شده‌ایم. اعدادی که در سمت چپ متغیرهای مشاهده شده نوشته شده‌اند، بیانگر خطای تبیین است. همان طور که می‌بینیم، برای شاخص احتمال شاغل شدن با ضریب تبیین ۶۳ درصد، میزان خطای تبیین در سمت چپ آن ۳۷ درصد نوشته شده است. ضریب تبیین به ما می‌گوید که یک متغیر تا چه حد توانسته است متغیر دیگری را تبیین کند. ضریب خطا از تفاوت مقدار ۱ و ضریب تبیین به‌دست می‌آید. از طرف دیگر، متغیر رضایت از رشته تحصیلی از سه شاخص میزان علاقه به رشته خود، تمایل به شاغل شدن در رشته و توصیه تحصیل در این رشته به فرزندان خود تشکیل شده است که می‌توان گفت واریانس رضایت فرد از رشته تحصیلی‌اش به ترتیب توان تبیین ۶۷ درصد از واریانس میزان علاقه به رشته خود، ۴۶ درصد از واریانس تمایل به شاغل شدن در رشته و ۴۹ درصد از واریانس توصیه تحصیل در این رشته به فرزندان خود را داراست. از شاخصهای سنجش رضایت فرد از رشته تحصیلی‌اش، عامل علاقه سهم بیشتری (ضریب تبیین ۰/۶۷) دارد. خطای تبیین برای این شاخص که در سمت راست متغیر مشاهده شده نوشته شده است، شامل ۳۳ درصد است.

در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود که متغیر ارزیابی شخص از رشته تحصیلی‌اش بر رضایت وی از رشته تأثیر دارد و عامل تأثیرگذار ارزیابی از رشته تحصیلی بر رضایت تحصیلی ۵۸ درصد است؛ به عبارت دیگر، مدل حاضر تا ۵۸ درصد قدرت تبیین‌کنندگی دارد و ۴۲ درصد باقیمانده را می‌توان خطای مدل و مقدار تبیین نشده قلمداد کرد.

کای اسکور را می‌توان به‌عنوان عمومی‌ترین و پرکاربردترین شاخص برازش در مدلسازی معادله ساختاری تلقی کرد. هر چه مقدار آن کوچک‌تر باشد، برازش داده‌ها به مدل بهتر است تا جایی که مقدار صفر برای آن نشانه برازش کامل است. مقدار کای اسکور به لحاظ نظری در دامنه بین صفر تا بی‌نهایت تغییر می‌کند. مبنای محاسبه کای اسکور تفاوتی است که بین دو ماتریس واریانس کوواریانس نمونه‌ای و ماتریس واریانس کوواریانس بازتولید شده است (۱۳۵-۱۳۴: ۲۰۱۰: Ghasemi). مقدار کای اسکور به‌دست آمده برای مدل تحقیق ۳۸ با درجه آزادی ۵۰ و مقدار احتمال ۰.۳۰۹۶۴ است که مقدار کای اسکور به‌دست آمده از مقدار قابل قبولی برخوردار است.



نمودار ۱- مدل معادله ساختاری برای بررسی رابطه میان نحوه ارزیابی فرد از رشته با میزان رضایت

وی از تحصیل در آن

ماتریس باقی مانده (RMR) یکی از ماتریسهای مهمی است که هم برای ارزیابی برازش کلی و هم برازش جزئی استفاده می‌شود. منظور از برازش جزئی مدل ارزیابی تک تک متغیرها و پارامترهاست و برازش کلی شامل واریانس مدل از کلیت خویش است. حداقل مقدار این شاخص صفر است؛ یعنی حالتی که برازش کامل و ماتریس باقیمانده یک ماتریس صفر است. اما حداکثر آن با توجه به مقادیر کوواریانس‌ها در ماتریس باقیمانده می‌تواند عددی کوچک یا بزرگ باشد. در هر حال، کوچک‌تر بودن مقدار آن برای یک مدل در مقایسه با مدل دیگر می‌تواند به‌عنوان یکی از معیارهای بهتر بودن آن مدل تلقی شود (Ghasemi, ۲۰۱۰: ۱۴۷). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقدار به‌دست آمده برابر با ۰/۱۳ شده است که به صفر نزدیک و مقدار قابل قبولی است.

به‌طورکلی، می‌توان شاخصهای برازش را به سه گروه عمده تقسیم کرد: شاخصهای برازش مطلق، شاخصهای برازش تطبیقی و شاخصهای برازش مقتصد (Ghasemi, ۲۰۱۰: ۱۳۰-۱۵۸). نتایج به‌دست آمده برای این شاخصها را می‌توان در جدول ۵ ملاحظه کرد.

جدول ۵- شاخصهای برازش و نسبتهای به دست آمده برای مدل تحقیق

نوع	شاخص برازش	نسبت به دست آمده در مدل	دامنه قابل قبول	وضعیت برازش	
شاخصهای برازش مطلق	کای اسکوتر (با توجه به جدول کای اسکوتر)	۳۸	۳۴/۷۶۴۲ (با درجه آزادی ۵۰ و ۹۵ درصد اطمینان)	قابل قبول	
	شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۸۷	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	تا حدی قابل قبول	
	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)	۰/۷۹	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	تا حدی قابل قبول	
شاخصهای برازش تطبیقی	ریشه میانگین مربعات باقیمانده (RMR)	۰/۱۳	مقایسه مقادیر باقیمانده استاندارد با ۱.۹۶ برای سطح اطمینان ۹۵ درصد	قابل قبول	
	نیکویی برازش هنجار نشده (NNFI) یا توکر لویس (TLI)	۰/۹۹	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	قابل قبول	
	نیکویی برازش هنجار شده (NFI) یا شاخص بنتلر-بونت (CFI)	۰/۸۸	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	تا حدی قابل قبول	
	شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۹	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	قابل قبول	
	شاخص برازش افزایشی (IFI)	۰/۹۹	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	قابل قبول	
	شاخص برازش نسبی (RFI)	۰/۸۴	۰ (عدم برازش) تا ۱ (برازش کامل)	تا حدی قابل قبول	
	شاخصهای برازش مقتصد	شاخص برازش هنجار شده مقتصد (PNFI)	۰/۶۷	بالتر از ۰/۵۰ یا ۰/۶۰	قابل قبول
		شاخص نیکویی برازش مقتصد (PGFI)	۰/۵۴	بالتر از ۰/۵۰ یا ۰/۶۰	قابل قبول
		ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۰۴۸	کوچکتر از ۰/۰۵	قابل قبول

منظور از اینکه شاخص نیکویی برازش، شاخص برازش اصلاح شده، شاخص نیکویی برازش هنجار شده و شاخص برازش نسبی در مدل تدوین شده «تا حدی قابل قبول» است، این است که با توجه به اینکه ۱ برازش کامل است و در همه موارد مذکور مقدار به دست آمده نه برازش کامل، ولی نزدیک به آن است، لذا می توان آن را تا حدی قابل قبول دانست؛ به عبارت دیگر، بیش از نیمی از حد برازش توسط مدل مفروض محقق اخذ شده است. بنابراین، آنها را با عبارت «تا حدی قابل قبول» می پذیریم.

بحث و نتیجه گیری

با مرور تحقیقات تجربی صورت گرفته (جدول ۱) ملاحظه شد که داوطلبان اغلب تحت تأثیر ترجیحات خانواده، آینده شغلی رشته، تواناییها و علایق شخصی و متغیرهای زمینه‌ای (خانوادگی و اجتماعی) رشته تحصیلی خود را انتخاب می کنند. نتایج تحقیق ضمن تأیید یافته‌های سایر تحقیقات تجربی نشان می دهد

که در میان دانشجویان و در شرایط فعلی تصمیم و انتخاب خود فرد و نیز مشورت با دوستان و آشنایان مهم‌ترین عامل مؤثر بر انتخاب رشته داوطلبان را تشکیل می‌دهد (جدول ۳). از همین روست که بیشتر پاسخگویان در صورت داشتن شانس مجدد برای انتخاب رشته حاضرند باز هم رشته فعلی خود را انتخاب کنند (جدول ۴). همچنین، با تحلیل نتایج به دست آمده برای متغیر رضایت در نمودار ۱ ملاحظه می‌شود که اگر چه ممکن است برخی از پاسخگویان حاضر به توصیه رشته فعلی خود به فرزندان‌شان نباشند یا به اشتغال در آن تمایلی نداشته باشند، اما از نظر درونی و ذهنی به رشته تحصیلی خود علاقه‌مندند. در واقع، در حالی که «علاقه به رشته» بالاترین ضریب تبیین (۰.۸۲) را به خود اختصاص می‌دهد، «توصیه به فرزندان» و «علاقه به شاغل شدن در رشته فعلی» به ترتیب با ضریب تبیین ۰.۷ و ۰.۶۸ در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود این است که چه چیزی بر این میزان رضایت تأثیر می‌گذارد و در این نسبتها تفاوت ایجاد می‌کند. بر اساس مباحث نظری و مدل تدوین شده چنین استدلال شد که چگونگی ارزیابی و نگرش افراد از رشته تحصیلی خود می‌تواند میزان رضایت آنان از ادامه تحصیل در آن رشته را تحت‌الشعاع قرار دهد.

با مذاقه در یافته‌های نمودار ۱ ملاحظه می‌شود که از بین تمام شاخصهای تعریف شده برای متغیر «ارزیابی فرد از رشته»، شاخصهای «احتمال شاغل شدن در حرفه‌ای مرتبط با رشته»، «امکان اشتغال و فرصتهای شغلی موجود در رشته» و «داشتن درآمد مکفی در صورت شاغل شدن در رشته» به ترتیب با به دست آوردن بالاترین ضریب تبیین (به ترتیب ۰.۷۹، ۰.۷۳ و ۰.۶۷) بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. جالب اینکه در میان شاخصهای تشکیل دهنده متغیر ارزیابی، شاخصهای مرتبط با نوع نگرش خانواده و جامعه به رشته تحصیلی در مراتب بعدی قرار می‌گیرند. به سخنی دیگر، آنچه در تعیین نوع ارزیابی فرد از رشته تحصیلی وی سهم بیشتری به خود اختصاص می‌دهد و برای دانشجویان دغدغه ایجاد کرده است، ملاحظات اقتصادی است و نه ملاحظات اجتماعی و خانوادگی. در واقع، جوانان با ملاحظات اجتماعی و خانوادگی کنار می‌آیند، چرا که اغلب بر اساس علاقه شخصی رشته فعلی خود را انتخاب کرده‌اند یا دستکم در حال حاضر به رشته خود علاقه‌مندند، لیکن شرایط واقعی جامعه و شرایط دشوار اقتصادی و بیکاری فزاینده موجود برای دانش‌آموختگان دانشگاهی، آینده شغلی و کیفیت زندگی آتی دانشجویان را در هاله‌ای از ابهام فرو می‌برد و بر میزان رضایت تحصیلی شان تأثیر می‌گذارد.

طبق یافته‌های نمودار ۱ می‌توان گفت که ارزیابی دانشجویان از رشته تا ۵۸ درصد قدرت تبیین‌کنندگی میزان رضایت تحصیلی آنان را دارد و آنچه بیشتر از همه بر ارزیابی افراد تأثیر می‌گذارد و در پی آن میزان رضایت تحصیلی شان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، شرایط اقتصادی جامعه، شانس شاغل شدن در رشته فعلی و امکان برخورداری از درآمد مکفی از قبل آن است. در نهایت، چنین می‌توان نتیجه گرفت که شرایط ساختاری بیرونی از جمله وضعیت اقتصادی و فرصتهای شغلی فرا روی جوانان تحصیل کرده تا حد زیادی نگرشهای تحصیلی آنان را تحت تأثیر و بعضاً حتی علاقه شخصی و ملاحظات خانوادگی آنان را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. لذا، در شرایط فعلی به نظر می‌رسد که در

برخی رشته‌ها ممانعت از افزایش کمی دانشجویان رشته و توسعه آن که با بازار کار و شرایط اقتصادی ناهماهنگ است، می‌تواند راهکاری برای جلوگیری از افزایش نارضایتی تحصیلی دانشجویان و پیامدهای نامطلوب اجتماعی آن باشد.

References

۱. Abdi, Beheshteh and Aghababa, Aolfazl (۲۰۰۹); "A Survey of Effective Factors on Choosing the Field of Study Among Eligible Candidates of University, Entrance Examination"; *Higher Education Quarterly*, No. ۳, pp. ۱۵۱-۱۸۳(in Persian).
۲. Ajzen, I. (۱۹۸۸); Attitude Structure and Behavior Relations; in A. R. Partkanis, S. T. Berckler and A. G. Greenwald (Eds.); *Attitude Structure and Function*; Hillsdale, NJ: Erlbaum.
۳. Ajzen, I. and Fishbein, M. (۱۹۷۷); "Attitude-behavior Relations: a Theoretical Analysis and Review of Empirical Research"; *Psychological Bulletin*, Vol. ۸۴, pp. ۸۸۸-۹۱۸.
۴. Akhavan Sarraf, Ahmad Reza and Nilforoushzadeh, Maryam (۲۰۰۸); "Dimensions of Globalizing Higher Education"; *Roshd -e- Fanavari Quarterly*, No. ۱۷(in Persian).
۵. Al-Gahtani, S. and King, M. (۱۹۹۹); "Attitudes, Satisfaction, and Usage: Factors Contributing to each in the Acceptance of Information Technology"; *Behavior & Information Technology*, Vol. ۸, No. ۴, pp. ۲۷۷-۲۹۷.
۶. Azizi, Nematollah (۲۰۰۸); "Examination of the Challenges and Insufficiencies of Academic Education in the Humanities: A Reflection on the Students' Views"; *Higher Education Quarterly*, No. ۲, pp. ۱-۳۰(in Persian).
۷. Baykal, Ulku, Serap, Sokmen, Sebnem, Korkmaz and Ebru, Akgun (۲۰۰۵); "Determining Student Satisfaction in a Nursing College"; *Nurse Education Today*, No. ۲۵, pp. ۲۵۵-۲۶۲.

۸. Berens, L. V. (۱۹۹۸); *Understanding Yourself and Others: an Introduction to Temperament*; Huntington Beach, CA: Telos Publications.
۹. Chapman, D. W. (۱۹۸۴); *Teacher Retention: The Test of a Model*, American Educational Research.
۱۰. Chen, A. and Darst, P. W. (۲۰۰۱); "Situational Interest in Physical Education: A Function of Learning Task Design"; *Research Quarterly for Exercise and Sport*, Vol. ۷۲, pp. ۱۵۰-۱۶۴.
۱۱. Chou, S. W. and Liu, C. H. (۲۰۰۵); "Learning Effectiveness in a Web-based Virtual Learning Environment: A Learner Control Perspective"; *Journal of Computer Assisted Learning*, Vol. ۲۱, pp. ۶۵-۷۶.
۱۲. Chevalier, Arnaud, Gibbons, Steve, Thorpe, Andy, Snell, Martin and Hoskins, Sherria (۲۰۰۹); "Students' Academic Self-perception"; *Economics of Education Review*, No. ۲۸, pp. ۷۱۶-۷۲۷.
۱۳. Crib, Ian (۱۹۹۹); *Modern Social Theory: From Parsons to Habermas*; Tehran: Agah Publishers(in Persian).
۱۴. Daly, B. A. (۲۰۰۳); "Color and Gender Based Difference in the Sources of Influence Attributed to the Choice of College Major"; *Critical Perspectives on Accounting*, ۱۰:۳۲, P. ۱۱۹.
۱۵. Davis, H. D., Noland, D. and Deato, N. (۲۰۰۱); "Novel Approaches to College Choice: A Survey of Postsecondary Opportunities"; Annual Meeting of the Association Research, Available at: www.state.tn.us/the/policyinit.html.
۱۶. Dunning, D., Heath, C. and Suls, J. (۲۰۰۴); "Flawed Self-assessment"; *Psychological Science in the Public Interest*, Vol. ۵, pp. ۶۹-۱۰۶.
۱۷. DeRonck, N. G.(۲۰۰۷); *The Impact of Family Structure and Involvement on the College Enrollment of Potential First Generation College Students*"; Unpublished Doctoral Thesis. Central Connecticut State University New Britain, Connecticut.

۱۸. E'zadi, Samad, Salehi, Ebrahim and Gharebaghi, Mohammad Mehdi (۲۰۰۹); "Examination of Students' Degree of Satisfaction Regarding the Criterion of Customer Results in the EFQM Model (A Case Study: Students of Mazandaran University)"; *Higher Education Quarterly*, No. ۳, pp. ۱۹-۵۴(in Persian).
۱۹. Ferasetkhah, Maghsood (۲۰۰۸); "A Study of Conditions for Qualitative and Quantitative Promotion of Accessibility to Higher Education in Iran"; *Higher Education Quarterly*, No. ۲, pp. ۹۵-۱۲۲(in Persian).
۲۰. Ferasetkhah, Maghsood, Bazargan, Abbas and Lukes, Karlo (۲۰۰۷); "The Analysis of Relationship between Components of Quality Assurance System in Higher Education with Socio-Cultural Contexts: A Cognitive Map by Emphasis of Iran's Case"; *Journal of Social Sciences*, No. ۳۱, pp. ۱-۲۰(in Persian).
۲۱. Frisbee, R. L., Belcher, G. and Sanders, R. E. (۲۰۰۰); "Recruitment Techniques that Influence Students to Attend Four Year Automotive Programs"; *Journal of Vocational Education Research*, Vol. ۲۵, No. ۲, pp. ۱۰۴-۱۲۵.
۲۲. Ghane'ei Raad, Mohammad Amin and Khosro Khavar, Farhad (۲۰۰۶); "A Study on the Cultural Factors Influencing the Increase in Girl's Entrance into Universities"; *Women's Research*, No. ۴, pp. ۱۱۵-۱۳۸(in Persian).
۲۳. Ghasemi, Vahid (۲۰۱۰); *Structural Equation Modeling in Social Researches Using Amos Graphics*; Tehran: Jemeeshenasan(in Persian).
۲۴. Graham, G., Holt/Hale, S. A. and Parker, M. (۲۰۰۴); *Children Moving: A Reflective Approach to Teaching Physical Education (۳th ed.)*, Mountain View, CA: Mayfield.
۲۵. Haghghi, Karnameh and Akbari, Nemat Al-laah (۲۰۰۴); "An Investigation of The Social Demand Convergent Rate For Higher Education In Iran"; *Iranian Economic Research*, No. ۲۰, pp. ۱۱۵-۱۳۴(in Persian).

۲۶. Hagger, M. S., Chatzisarantis, N. L. and Biddle, J. H. (۲۰۰۲); "A Meta-analytic Review of the Theories of Reasoned Action and Planned Behavior in Physical Activity: Predictive Validity and the Contribution of Additional Variables"; *Journal of Sport & Exercise Psychology*, Vol. ۲۴, pp. ۳-۳۲.
۲۷. Hong, Kian-Sam (۲۰۰۲); "Relationships between Students' and Instructional Variables with Satisfaction and Learning from a Web-based Course"; *Internet and Higher Education*, No. ۵, pp. ۲۶۷-۲۸۱.
۲۸. Hooman, Haidar Ali (۲۰۰۵); *Structural Equation Modeling with Lisrel Application*; Tehran: Samt(in Persian).
۲۹. Hussey, Trevor and Patrick, Smith (۲۰۱۰); *The Trouble with Higher Education: A Critical Examination of our Universities*; Routledge's Pub.
۳۰. Jackson, G. A. (۱۹۸۲); "Public Efficiency and Private Choice in Higher Education"; *Educational Evaluation and Policy Analysis*, Vol. ۴, No. ۲, P. ۲۳۷.
۳۱. James, R. (۲۰۰۲); *Socio-economic Background and Higher Education Participation: An Analysis of School Students' Aspirations and Expectations*; Commonwealth Department of Education Science and Training.
۳۲. Johnston, J., Killion, J. and Oomen, J. (۲۰۰۵); "Student Satisfaction in the Virtual Classroom"; *The Internet Journal of Allied Health Sciences and Practice*, Vol. ۳, No. ۲.
۳۳. Kalantari, Khalil (۲۰۰۹); *Structural Equation Modeling in Socio-Economic Research: with Lisrel and Simplis Software*; Tehran: Farhange Saba(in Persian).
۳۴. Keirse, D. (۱۹۹۸); *Please Understand Me II*; Del Mar, CA: Prometheus Nemesis Book.

۳۵. Keirsey, D. (۲۰۰۰a); *Keirsey Temperament Distribution*; Available at: <http://www.keirsey.com/scripts/stats.cgi>. Accessed July ۲۰, ۲۰۰۱.
۳۶. Keirsey, D. (۲۰۰۰b); *Personality: Character and Temperament*; Available at: <http://keirsey.com/>. Accessed December ۱۶, ۲۰۰۰.
۳۷. Kern, C. W. K. (۲۰۰۰); "College Choice Influences: Urban High School Students Respond"; *Community College Journal of Research and Practice*, Vol. ۲۴, No. ۶, pp. ۴۸-۷۴۹۴.
۳۸. Khodaei, Ebrahim (۲۰۰۹); "The Relationship between Economic and Cultural Capital of Students' Parents and Possibility of their Being Accepted in the University Entrance Exam in the Year ۱۳۸۵; *Quarterly of Iranian Higher Education Association (IHEA)* (in Persian).
۳۹. Kinzie, J., Palmer, M., Hayek, J., Hossler, D., Jacob, S. A. and Cummings, H. (۲۰۰۴); *Fifty Years of College Choice: Social, Political and Institutional Influences on the Decisionmaking Process*; Indianapolis, IN: New Agenda Series, Lumina Foundation for Education.
۴۰. Kreber, C. (۱۹۹۸); "The Relationships between Self-directed Learning, Critical Thinking, and Psychological Type, and some Implications for Teaching in Higher Education"; *Studies in Higher Education*, Vol. ۲۳, No. ۱.
۴۱. Leaver, B. L. (۱۹۹۷); *Teaching the Whole Class* (۴th ed.); Thousand Oaks, CA: Corwin Press.
۴۲. Mehralizade, Yadollah (۲۰۰۸); "Quality/Perfectionist Mouvement in Higher Education: Towards a Comprehensive Model of Quality Management"; *Higher Education Quarterly*, No. ۳, pp. ۵۵-۸۲ (in Persian).
۴۳. Melone, N. P. (۱۹۹۰); "A Theoretical Assessment of the User-satisfaction Construct in Information Systems Research"; *Management Science*, Vol. ۳۶, No. ۱, pp. ۷۶-۹۱.

۴۴. Mitchell, M. (۱۹۹۳); "Situational Interest: Its Multifaceted Structure in the Secondary School Mathematics Classroom; *Journal of Educational Psychology*, Vol. ۸۵, pp. ۴۲۴-۴۳۶.
۴۵. Mojtahedi, Zahra (۱۹۹۳); A Study of the Relationship between the Current Method of Selecting Students and their Success in University; M. A. Thesis, University of Allama Tbatbaei(in Persian).
۴۶. Motabari, Seyyed Mansour (۱۹۹۲); Analytical Study of Factors Influencing Students' Major Selection in some Iranian Universities; MA Thesis, Tehran University(in Persian).
۴۷. Nasr, Ahmadreza, Oraizi, Hamid Reza, Alamatsaz, Mohammad Hossein and Nili, Mohammad Reza (۲۰۰۲); "A Study of the Preferable Criteria for Major Selection among Students Wishing to Enter Public Universities in ۲۰۰۲"; Proceeding of Seminar on Methods and Issues of University Admittance, University of Isfahan,pp. ۳۲۱-۳۳۸(in Persian).
۴۸. Nesfat, Morteza (۱۹۷۵); *Measuring Students' Public Opinion*; Research Project at Psychological Institute at University of Tehran(in Persian).
۴۹. Pan, C. C., Sivo, S. and Brophy, J. (۲۰۰۳); "Students' Attitude in a web-enhanced Hybrid Course: A structural Equation Modeling Inquiry"; *Journal of Educational Media & Library Sciences*, Vol. ۴۱, No. ۲, pp. ۱۸۱-۱۹۴.
۵۰. Pearson. C. and Dellmanjenkins, M. (۱۹۹۷); "Parental Influence on a Student's Selection of A College Major"; *College Student Journal*, Vol. ۳۱, Issue ۳.
۵۱. Piccoli, G., Ahmad, R. and Ives, B. (۲۰۰۱); "Web-based Virtual Learning Environments: A Research Framework and a Preliminary Assessment of Effectiveness in Basic it Skills Training"; *MIS Quarterly*, Vol. ۲۵, pp. ۴۰۱-۴۲۶.

- ۵۲. Prieto, I. M. and Revilla, E. (۲۰۰۶); Formal and Informal Facilitators of Learning Capability: The Moderating Effect of Learning Climate; IE Working Paper, WP۰۶-۰۹. ۲۱-۰۲-۲۰۰۶.
- ۵۳. Reid, P. (۲۰۰۵); *Major Decisions: Major Choice*; Available at: www.elon.edu/ajones.
- ۵۴. Sankaran, S. R., Sankaran, D. and Bui, T. X. (۲۰۰۰); "Effect of Student Attitude to Course Format on Learning Performance: An Empirical Study in Web vs. Lecture Instruction"; *Journal of Instructional Psychology*, Vol. ۲۷, pp. ۶۶-۷۴.
- ۵۵. Schroeder, C. C. (۱۹۹۳); *New Students—new Learning Styles*; Available at: Academia/KierseyLearningStyles.html. Accessed August ۱۵, ۲۰۰۰.
- ۵۶. Schumacker, E. Randall and Lomax, Richard G. (۲۰۰۴); *A Beginner's Guide to Structural Equation Modeling*; Lawrence Erlbaum Associates, Inc.
- ۵۷. Shafi'i Roudposhti, Meisam and Mirghafouri, Seyed Habibollah (۲۰۰۸); "Identification and Ranking of the Effective Factors on Improvement of the Quality of Educational Services in Higher Education (A Case Study: Management Faculty of YAZD University)"; *Higher Education Quarterly*, No. ۲, pp. ۶۷-۹۴ (in Persian).
- ۵۸. Solmon, M. A. and Carter, J. A. (۱۹۹۵); "Kindergarten and Firstgrade Students' Perceptions of Physical Education in One Teacher's Classes"; *Elementary School Journal*, Vol. ۹۵, pp. ۳۵۵-۳۶۵.
- ۵۹. Tatar, E. (۲۰۰۳); Investigation of the Preference Process of Students Who Have Preferred Department of Chemistry Education and Relation between These Processes and their Attitude toward Chemistry; Master Dissertation, University of Ataturk.
- ۶۰. Thacker, L. (۲۰۰۵); *College Unranked: Ending the College Admissions Frenzy*; Cambridge Harvard Press.

۶۱. Yamani Doozi Sarkhabi, Mohammad (۲۰۰۱); *Introduction to Examinations of University System Performance*; The University of Shahid Beheshti Press(in Persian).
۶۲. Zaranejad, Mansour and Ansari, Elahe (۲۰۰۸); “A Study of the Relationship between Grangery Causality Economic Growth and the Cost of Higher Education in Iran”; *Quarterly of Iranian Economic Research*, No. ۳۷(in Persian).